روزنامه شرق

یکشنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۱ • ۱۲ ذی‌القعده ۱۴۴۳ • ۱۲ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۰۰ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

بررسی خروجی سفر سه‌روزه امیرعبداللهیان به هندوستان در گفت‌وگوی «شرق» با محسن روحی‌صفت

آیا در سایه تحریم‌ها دهلی نو گوش شنوایی برای تهران دارد؟

حسین امیرعبداللهیان پس از اقامتی سه‌روزه در هندوستان به تهران بازگشت. بخش اعظم رایزنی‌های حسین امیرعبداللهیان در هندوستان به مسائل بازرگانی، تجاری و اقتصادی ایران با این کشور بازمی‌گشت. از همین رو در گفت‌وگویی با محسن روحی‌صفت به بررسی محورهای کلیدی در مناسبات تجاری تهران – دهلی‌نو پرداخته‌ایم

صفحه ۲

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهوری ونزوئلا:

تجربه ایران و ونزوئلا نشان داد تنها راه پیروزی دربرابر فشارهای آمریکا مقاومت است

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر دیروز (شنبه) در دیدار آقای نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا و هیئت همراه با اشاره به ایستادگی دو کشور ایران و ونزوئلا در مقابل فشارهای سنگین و جنگ ترکیبی آمریکا، تاکید کردند: تجربه موفقیت‌آمیز دو کشور نشان داد تنها راه مقابله...

صفحه ۳

در «شرق» امروز می‌خوانید: ریاض از زیر سایه «خاشقجی» خارج می‌شود، آقای اینفلوئنسر حریم خصوصی افراد را رعایت کن و یادداشت‌هایی از مرتضی نظری، مهدی زارع، احسان هوشمند، ناصر ذاکری

سرمقاله

چگونه می‌اندیشیم؟

سیاست‌گذاری نظامی- امنیتی (۱)

کیومرث اشتریان

تلاش برای بقا اساسی‌ترین فعالیت سیاسی است و یکی از مهم‌ترین وظیفه‌های نیروهای سیاسی حفظ قدرتی است که مایه بقا و ضامن تمامیت ارضی کشور است؛ ازاین‌رو تقویت نیروهای مسلح کشور یکی از مهم‌ترین وظایف ماست. توجه به سیاست‌گذاری نظامی-امنیتی در این راستا مورد توجه است. سیاست‌گذاری نظامی-امنیتی در سایه تحولاتی که به انقلاب چهارم صنعتی و «دوران گسست» مشهور شده دچار دگردیسی اساسی شده و لازم است نیروهای نظامی-امنیتی خود را با «دوران گسست» انطباق دهند، در غیر این صورت ممکن است با خسارات جبران‌ناپذیری مواجه شویم. در مقالات دیگری ضرورت‌های سیاسی و به‌ویژه گسترش دایره مشارکت سیاسی را به‌عنوان اصلی‌ترین مؤلفه امنیت ملی متذکر شده‌ام. هشدار داده‌ام که متأسفانه راه درستی نمی‌پیماییم؛ اما این کاستی‌ها، هرچند مهم، سبب نمی‌شود که از بعد نظامی-امنیتی برای امنیت ملی غفلت کنیم. شما قوی‌ترین دموکراسی را هم که داشته باشید نمی‌توانید و نباید از بعد نظامی-امنیتی غفلت کنید. ببینید که چگونه قدرت‌های بزرگ غربی یک «لاتِ قاتلِ محله» به نام اسرائیل را بر مناسبات بین‌المللی گماشته‌اند که از خودِ آنها هم باج‌گیری می‌کند. فراموش نمی‌کنم که یکی از استادان خارجی‌ام به من می‌گفت کافی است در گوشه‌ای از کانادا چیزی درباره اسرائیل بگوییم؛ لابی‌های اسرائیلی آماده شکایت از ما هستند. هوش مصنوعی، فناوری بلاکچین، اینترنت اشیا، رباتیک، حسگرها، آنالیتیکِ انبوه-داده و شماری دیگر از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به تفصیل در رسانه‌ها و نوشته‌های علمی مورد بحث قرار گرفته‌اند. اینها همگی فناوری‌هایی هستند که تاریخ ما را دچار گسستی بنیانی کرده‌اند؛ بنابراین عرصه سیاست‌گذاری نظامی-امنیتی را به‌شدت متحول کرده و نیاز به تغییر پارادایم را ضروری کرده‌اند. ما در این نوشتار از آنها به «فناوری‌های گسستی» یاد می‌کنیم. از آنجا که در نوشتارها و گفتارهای دیگری درباره این فناوری‌ها سخن گفته‌ام به تکرار آنها نمی‌پردازم و فرض را بر این می‌گیرم که خوانندگان علاقه‌مند به آنها رجوع می‌کنند. ازاین‌رو به ضرورت‌ها و الزاماتی که باید در سیاست‌گذاری نظامی-امنیتی بدان‌ها توجه کرد می‌پردازم. ممکن است گفته شود که در یک سرمقاله روزنامه‌ای چه نیاز به این‌گونه مطالب؟ متأسفانه تجربه ثابت کرده است آن‌گاه که چنین نوشته‌هایی را برای یک مدیر ارسال می‌کنید، بلافاصله با یک مهر محرمانه به محاق می‌رود و شمار اندکی به آن دسترسی پیدا می‌کنند و به فراموشی سپرده می‌شود. وانگهی مخاطب من نه‌تنها مدیران نظامی-امنیتی بلکه مدیران مدنی و کارشناسان حرفه‌ای و فعالان سیاسی‌اند که در بخش‌های وسیعی از جامعه در کار هستند. اینان به‌خوبی این «دوران گسست تاریخی» را درک می‌کنند و با توجه به انگیزه‌های گوناگون ملی یا دینی که دارند، می‌توانند به حفظ امنیت ایران عزیز کمک کنند. این روزها مشاهده می‌کنید که چگونه فرزندان این سرزمین آماج ترورهای دشمنان قرار گرفته‌اند. این ترورها در ابتدا ممکن است در «بی‌اعتبارسازی» موفق عمل کند، اما به‌تدریج و در درازمدت کینه مردم را نسبت به اسرائیل و حامیانش افزایش خواهد داد. به انگیزه‌های استراتژیک و به دلایل روانی متأسفانه تخریب سریع و هجوم همه‌جانبه به ایران را برای رژیم اسرائیل، اعراب خلیج فارس و آمریکا جذاب می‌کند. پیش از این به تفصیل درباره رویکردهای سیاسی به اسرائیل و جامعه بین‌المللی و ضرورت حضور در بازی‌های نظام بین‌الملل سخن گفته‌ام، اینک اما آنچه را درباره سیاست‌گذاری نظامی-امنیتی ضروری است بیان می‌کنم:

۱- سیاست‌گذاری نظامی-امنیتی باید بتواند فناوری‌های جدید را در هاضمه خود درک و براساس آن تدابیر جدیدی را در ساختار و تشکیلات و روش‌های خود اعمال کند. استفاده از این فناوری‌ها و فرایند «نظامی‌سازی» آنها در درجه نخست مستلزم مهارتی مهم به نام «مدیریت دانش» است. از آنجا که این فناوری‌ها عموما در خارج از نیروهای نظامی و امنیتی توسعه می‌یابند، مدیریت دانش به یکی از مهارت‌های مهم نظامی-امنیتی تبدیل شده است. آمادگی «متدلوژیک» برای درک و درونی‌کردن این دانش جدید در سازمان ارتش یک مهارت اساسی است. دیرزمانی تحقیق و توسعه (R&D) بیشتر در واحدهای نظامی شکل می‌گرفت، امروزه اما نوآوری‌ها در گستره وسیعی از بخش مدنی و به‌صورتی کم و بیش نامنظم صورت می‌گیرد. واحدهای نظامی-امنیتی باید بتوانند با این محیط جدیدِ نوآوری ارتباط برقرار کنند که این خود مستلزم مهارت‌های مدیریت دانش است. مهم‌ترین این مهارت‌ها توان «متدلوژیک» برای ایجاد گفت‌وگوی فنی با کارشناسان حوزه‌های جدید است. این مهارت‌ها در ادبیات میان‌رشته‌ای توسعه یافته‌اند. در اینجا در پی یادآوری سرخط‌ها هستم و بیش از این نشاید گفت. سیاسی‌شدن نیروهای مسلح آنها را از این بدنه فنی-مدنی جدا می‌کند. مدیریت دانش در عین حال نیازمند یک فرایند بررسی و ارزیابی مداوم است تا دائم نتیجه استفاده و کاربرد فناوری‌های گسستی در فرایندهای تصمیم‌گیری ملی را تغذیه کند.

۲- امروزه تحقیق و توسعه و تحولات فناوری بیش از پیش در بخش خصوصی به سرانجام می‌رسد. ازاین‌رو لازم است که سیاست‌گذاری نظامی-امنیتی به این مهم توجه کند و ساختارهای خود را به این بخش متصل کند.

ادامه در صفحه ۲

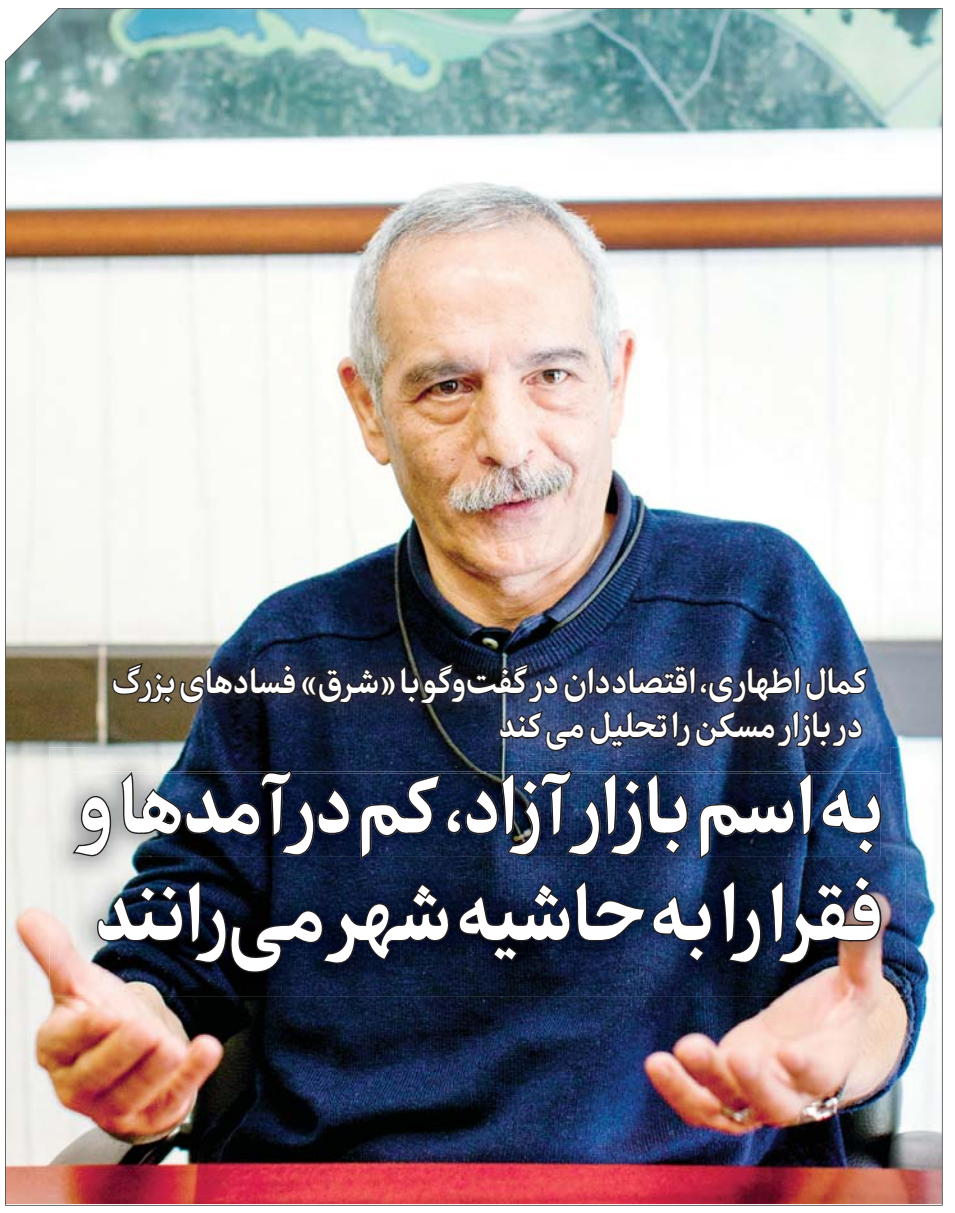

کمال اطهاری، اقتصاددان در گفت‌وگو با «شرق» فسادهای بزرگ در بازار مسکن را تحلیل می‌کند

به اسم بازار آزاد، کم درآمدها و فقرا را به حاشیه شهر می‌رانند

عکس: سهند تاکی، شرق

زمین؛ بخش تاریک بازار مسکن ایران است. جایی که به گفته کمال اطهاری، اقتصاددان، در آن فسادهای بزرگ رخ داده است و شاید به همین دلیل باشد که کمتر مسئولی حاضر می‌شود درباره آن حرف بزند. حالا زمین گاهی تا ۷۰ درصد قیمت تمام‌شده مسکن در ایران را تشکیل می‌دهد. کالایی عمومی و غیرقابل تولید که در ایران به سیطره طبقه‌ای رانت‌خوار درآمده و بقیه را «مفلس» کرده است.

این متخصص اقتصاد مسکن به «شرق» توضیح می‌دهد که رانت‌خواران و زمین‌خواران قوانین و حتی مفاهیم علم اقتصاد را دست‌کاری کرده‌اند تا زمین را که حق عموم شهروندان ایرانی است، به تصاحب خود درآورند. این اقتصاددان با یادآوری ماجرای پتروشیمی میانکاله می‌گوید زمین‌خواران چنان به حقوق عمومی مردم دست‌درازی کرده‌اند که امروز برخلاف قانون، مستأجران و طبقه کم‌درآمد به حاشیه شهرها رانده شده‌اند و در خانه‌هایی شبه‌خوابگاه زندگی می‌کنند و حق سکونت در شهرها را از دست داده‌اند.این دست‌درازی زمین‌خواران به حقوق عمومی شهروندان موجب شده حالا بیشتر از یک‌سوم شهروندان ایرانی ساکن زاغه‌ها و سکونتگاه‌های غیررسمی شوند و اجاره خانه گاهی ۷۰ تا ۸۰ درصد درآمد خانواده‌های ایرانی را ببلعد.

این گزارش را در صفحه ۴ بخوانید

«شرق» چرایی مهاجرت پرستاران از کشور را پس از فروکش کردن کرونا بررسی کرد

کوچ مرهم درد

براساس آمارهای ارائه شده از سوی دبیرکل خانه پرستار سالانه ۳۰۰۰ پرستار از ایران مهاجرت می‌کنند

گزارش تیتر یک را در صفحه ۶ بخوانید

«شرق» در گفت‌وگو با تحلیلگر حوزه آمریکای لاتین به بررسی توافقات تهران- کاراکاس پرداخت

سند همکاری راهبردی ۲۰ ساله، عملا ممکن نیست

۳

نقض بخشی از حکم طبری

فرجام نیک طبری و دوستان؟

۳

بی‌خانمان‌هایی که در لوله‌های فاضلاب زندگی می‌کنند

تونل‌های سیمانی چسبیده به رگ خاک

وسط اتوبان فرودگاه که بایستی، از همان دور خانه‌های توسری‌خورده را می‌بینی که انگار انتها ندارند. انتهای این خانه‌ها می‌رسد به بیابان‌های خاکی که غروب‌هایش رنگ دیگری دارد. تپه شنی و لوله‌های بتنی به‌هم‌چسبیده، خارج از محدوده چسبیده‌اند به رگ خاک؛ روی خاک رُس‌اش پا سفت می‌کنیم و می‌رویم بالا. آلونک‌های لوله‌ای خاکستری از دور پیداست؛ آدم‌ها کز کرده‌اند کنار دیواره‌های لوله‌ها، لوله‌ها لب‌به‌لب بیابان است، روی شمالی‌ترین نقطه اصفهان، مثل فیلم‌های آخرالزمانی هالیوودی.هرچه گردن بکشی، چیزی جز بیابان نیست که لوله‌های سیمانی حائلی شده بین آن و دو نیمه‌اش کرده تا نشود به‌راحتی معتادها را دید. روزهای اینجا، داغدار روزهای خوب خانه‌به‌دوشان است. خاطرات، یک آن ولشان نمی‌کند؛ زمانی که تمام‌قد توی خانه‌هایشان به زندگی خدمت می‌کردند و حالا در تاراج این خرابه‌ها، عاشقی یادشان رفته است. اینجا چشم لوله‌خواب‌ها منتهی می‌شود به قطر لوله‌های سیمانی؛ سقفی که برای رضا معنای دیگری دارد و برایش حالا سقف شده است.

این گزارش را در صفحه ۸ بخوانید

روایت احمد غلامی از مکان‌ها و آدم‌ها

این روایت: داریوش مهرجویی

حوض آبیِ سفید

۱۱

یادداشت روزنامه‌نگاران

عصر گانگسترهای جدید

افشین امیرشاهی

سرقت از صندوق امانات بانک ملی حادثه بسیار مهمی است. فارغ از همه جزئیاتی که در چند روز اخیر از سوی رسانه‌های مختلف منتشر شده؛ اما این سرقت متفاوت از اختلاس‌های چند هزارمیلیاردی سال‌های اخیر است. این سرقت تنها یک افتضاح بانکی نبود؛ حتی فراتر از این است که بگوییم محصول ناکارآمدی و ضعف مدیریت در کشور است. این سرقت یک مسئله امنیتی مهم و متفاوت است. یک هشدار به شمار می‌رود. این سرقت نتیجه همه فرایندهای اشتباه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چند دهه اخیر است. مسئله مهمی که باعث شده وارد عصر گانگسترهای جدید شویم؛ حتی اگر ۱۰ نفر از سارقان دستگیر شده باشند و تعدادی هم همچنان متواری. یک مثال کوتاه، فعالیت باندهای گانگستری در ایالات متحده از سال ۱۷۸۳ و پس از انقلاب آمریکا آغاز شد. ظهور این باندها را به مهاجرت گسترده جمعیت روستایی به مناطق شهری به دلیل مسائل اقتصادی و سیاسی نسبت می‌دهند. سارقان این بانک با وجود دستگیری، موفق شدند یکی از پیچیده‌ترین سرقت‌های تاریخ را در ایران انجام بدهند. افرادی که قطعا از هوش بالایی برخوردار بودند. حتما باید تحصیل‌کرده باشند، مثل همان سارق باهوشی که رتبه ۱۳۶ کنکور سراسری در رشته ریاضی را به خود اختصاص داده بود و همراه با باند خودش خودروها را سرقت می‌کرد. سارقان با تکنولوژی‌های روز در بالاترین سطح آشنا بودند و برنامه‌ریزی‌های بی‌نقصی انجام دادند. آنها در یک منطقه شلوغ که تحت نظارت شدید است و بسیاری از دستگاه‌های مهم و نهادهای امنیتی حضور دارند، سر فرصت و با خونسردی کامل کارشان را انجام دادند. دزدگیرهای بانک و سیستم هشدار را از کار انداختند، وارد بانک شدند، در بسیار بزرگ گاوصندوق را باز کردند و صندوق‌های امانات را یکی‌یکی با ابزارهای کامل‌شان شکستند.

ادامه در صفحه ۸

یادداشت

در نکوداشت ۲ دهه فعالیت‌های انجمن علوم سیاسی ایران (۳)

لذتِ باهم‌اندیشی

محمدرضا تاجیک*

۱- من با انجمن علوم سیاسی بیش از هر چیز، همسازی نیروهای متفاوتی را که بر هم اندرکنش دارند، تجربه کردم. در قاب و قالب انجمن، مجموعه‌هایی از نیروهای نامتجانس در نسبت با یکدیگر نوعی «هم‌نشانی» آفریدند: همان «تکثری که از عناصر نامتجانس تشکیل شد، اما از این عناصر باهم‌عمل‌گر/اندیش، نوعی هم‌نشانی شکل گرفت که واحد می‌نمود. همان‌گونه که در هر هم‌نشانی نه‌تنها هویت اجزا، بلکه هویت کل هم تغییر می‌کند، انجمن نیز در فرایند بالندگی و شکوفایی‌اش، هم خود و هم اجزا و اعضایش را در مسیر و معرض تغییر قرار داد تا بتواند به نحوی درون‌ماندگار با شرایط تاریخی خود رابطه تأثیر و تأثری و تفهیم و تفاهمی متقابل داشته باشد. باز همان‌گونه که هم‌نشانی نمایانگر متفاوت‌شدن و یک «میانه» است در میان میانه‌ها و یک فلات است در میان فلات‌ها -بنابراین ما با شدنِ مداوم نیروها مواجه‌ایم که وقتی با هم تلاقی می‌کنند، کل‌ها را می‌آفرینند- انجمن نیز با نوعی «هستی در شدن» (صیرورت) و «در میانه» هویت یافت که آن را قادر کرد هم از سیاست آفت‌زده و جناح‌زده مسلط جامعه دوری گزیند و هم مکانی برای باهم‌شدگی/اندیشی نسل‌های بعد باقی بماند. به بیان دیگر، برای انجمن از همان آغاز تولد، سیاست هنر «درمیانه‌بودن» بود؛ در میان چیزها و پدیده‌ها و رخدادها و انسان‌ها بودن، با گریز و شدن‌ها همراهی‌کردن و نه کنترل‌کردن، مسدودکردن، معنابخشی، رمزگذاری و قلمروزایی. سیاست، با بیانی دلوزی، همان خط گریز، یعنی خطی از خلاقیت، ابداع و آفرینش و نامتعین و گشوده بود که همواره ما (دوستداران دانش سیاسی) را به یافتن و ساختن شرایطی جدید و اندیشه‌های جدید و خلق اشکال نوین سوبژکتیویته فرامی‌خواند. انجمن، از همان آغاز، با نمایندگی، بازنمایی، هویت، ارگانیسم (کلیتی محدود با یک هویت و غایت) و مکانیسم (ماشینی بسته با کارکردی خاص) سر سازگاری نداشت و معتقد بود اگر شدت‌ها تبدیل به کلیشه یا کد (رمزگان) شوند، طبیعت اشتدادی (نوسان و ارتعاش دائمی) سیاست از بین می‌رود؛ و این حالت اشتدادی سیاست را همان بسگانگی نهفته در آن می‌دانست که از فرمانروایی سوژه گریزان است و به همان اندازه از امپراتوری ساختار. در/با انجمن آموختیم که می‌توانیم با تمامی گوناگونی منظری و نظری یک «بدنِ» اجتماعی و سیاسی و اندیشگی باشیم، از پروازدادن تخیلات خود نهراسیم و تخیل را شرط تولید امکان‌های جدید -امکان تخیل و تصور جهان یا تنوع جهان‌هایی که می‌تواند ساخته شود- بدانیم و سیاست را در گرو تشخیص سیالیت و تغییرپذیری هویات داده‌شده، نه در پی سرشت ابدی و ازلی هویات سیاسی سنتی بودن، قرار دهیم.

۲- انجمن به من آموخت که من هم یک نگاهم در میان نگاه‌ها، یک صدایم در میان صداها، یک خوانش و تفسیرم در میان تفسیرها، یک فلات اندیشگی هستم در میان فلات‌های اندیشگی دیگر. به من آموخت که پیرامون آموخته‌ها و آموزه‌های خود حصاری از جنس ایدئولوژی نکشم، متن سیاست را نص‌گون نخوانم و ننویسم، از نقد نهراسم، در تئاتر مواجهه آرا و اندیشه‌ها در جست‌وجوی نشان و نشانه‌ای از واقعیت‌ها و حقیقت‌ها باشم، یأس‌های اندیشگی خود را -با تمامی تفاوتی که با آنان دارم- پاس بدارم، به سوژه سیاسی جمعی بینیدشم و فردیت (تکینگی) خودم را در کنار فردیت‌های دیگر تعریف و تصویر کنم، بگویم و بشنوم، نقد کنم و نقد شوم و بیاموزم که دانش سیاست دریایی است قعرش ناپدید. انجمن به من آموخت که اندیشه همان کنش است و خلق مفاهیم نو نیز امری است سیاسی. با/در انجمن هیچ‌گاه اندیشه سیاسی خود را مصون از معایب فراوان -ازجمله تأثیرات کج‌فهمی و بدفهمی و گاه بلاهت و خامی- ندیدم. بنابراین، هیچ‌گاه در جست‌وجوی تصویر جزمی اندیشگی که به دنبال روشی است تا اندیشه‌ور را قادر به خلاصی از خطا کند، نبودم. با/در انجمن استعداد عدول از هنجار مسلط دانشگاهی و توان قلمروزدایی رمزگان آکادمیک غالب و ابداع صورت‌های جدید از فهم و سوبژکتیویته سیاسی در من شکوفا شد. از نخطی و امتناع از آنچه به نام علم سیاست آموخته بودم، نهراسیدم. متوجه شدم درک و دانش سیاسی با هر مواجهه با سوژه‌ها و ابژه‌های سیاسی-اجتماعی تغییر می‌کند، قابلیت‌های مفهومی و نظری (و نیز عملی) جدیدی به دست می‌آورد و ظرفیت‌های تازه‌ای ایجاد می‌کند. دانش سیاسی همان دانش «دمادم در حال شدن» و در عین‌حال ناتمام و از این‌رو، سرچشمه عدم قطعیت و بداعت است. سیاست امری رابطی (relational) و برساخته است. به بیان دیگر، ما همواره با آنچه در رابطه با زمینه و شرایط و خوانش بر آن سیاست نام می‌نهند، مواجهیم نه واقعیت و حقیقتی که ذاتا سیاسی است. از این منظر، سیاست اگرچه با پولیس ربط وثیق و تنگاتنگی دارد، اما پولیس دیگر دلالتی قلمرویی و دولت‌شهری ندارد، بلکه در بیکرانگی لامکانی معنا می‌یابد که در آن هر امری از قابلیت و استعداد تبدیل‌شدن به «امر سیاسی» برخوردار است و هر شهروندی می‌تواند در هیبت و هویت یک «سوژه سیاسی»، کنشگری داشته باشد.

ادامه در صفحه ۸

انا لله و انا الیه راجعون

برادر ارجمند جناب آقای داود موسایی

مدیر محترم انتشارات فرهنگ معاصر

درگذشت مادر عزیز و بزرگوارتان را تسلیت می گوئیم و از خداوند متعال برای آن عزیز آمرزش و آرامش و برای شما و سایر بازماندگان صبر، شکیبایی و تندرستی خواستاریم .

احمد مسجدجامعی، محسن گودرزی، عیسی منصوری
حسین پایا، یحیی پایا، مصطفی سالاری، حجت میرزایی
غلامعلی لطیفی، مینو بوذرجمهری، حسنی شیخ‌الاسلامی
احمد غلامی، حسین گنجی، مهدی رحمانیان